

# ضریب فنی اصول گراها

## در کدام نقطه؟

سیاسی

زهرا شریعتی

اشاره

در این چند سال اخیر واژه اصول گرایی بر سر زبان‌ها افتاده است. این امر پس از دو دهه اختلاف بین دو سلیقه به اصطلاح راست و چپ در اداره کشور، و پس بعد از دوم خرداد ۷۶ و رواج واژه اصلاح طلبی رخ داده است. اکنون میان اصول گرایان نیز اختلاف‌های گاه آشکار و قابل توجهی ظهور کرده است که موجب شده در این مجال به آسیب‌شناسی آن‌ها بپردازیم.

### اصول گرایی یعنی چه؟

تعریف اصول گرایی چیست؟ این پرسش را از هر فردی، چه باسواد و چه بی‌سواد بپرسیم، به یک جواب خواهیم رسید، البته با ادبیاتی متفاوت. اصول گرایی همان گرایش به ارزش‌های ثابت و پایدار اسلامی و انقلابی است که با نثار خون هزاران شهید در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به دست آمده است. وفاداری در شعار و عمل به همان ارزش‌ها، تعریف اصول گرایی است. البته این تعریف بسیار کلی است. اگر جزئی‌تر بپرسیم، خواهیم شنید: خدمت صادقانه به مردم، کار برای رضای خدا، ساده‌زیستی، روحیه استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی، تلاش در رفع فساد و فقر و تبعیض، مقابله با تهاجم فرهنگی غرب و شرق و... امروزه چشم مردم به نیروهای اصول‌گرا دوخته شده است. بعد از انتخابات دوم شوراهای شهر و روستا و هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی - که اصول‌گرایان، پیروز میدان سیاست و با بهتر بگویم «خدمت» شدند - اکثریت مردم امیدوارند بسا توجه به خدمات صادقانه این گروه که خود را از جناح و دسته ویژه‌ای نمی‌داند



دل‌های مردم را هدایت کند تا فرد باکفایت، شجاع، بااخلاص، دارای روح مردمی، شاداب و بانشاط، مؤمن به هدف‌ها و ارزش‌های انقلاب، مؤمن به مردم و معتقد به حق مردم را انتخاب کنند...» طبق معیارهای معرفی شده در سخنان ایشان، شهید رجایی نخستین رئیس‌جمهور اصول‌گرا به شمار می‌آید که ساده زیست، خدمتگزار مردم، شجاع، بااخلاص و مؤمن به هدف‌های انقلاب و معتقد به حق مردم بود. ولی به راستی آیا اصول‌گرایان امروز نیز می‌توانند دارای چنین ویژگی‌هایی باشند؟ این پرسشی است که با آسیب‌شناسی اصول‌گرایان به پاسخ آن خواهیم رسید.

### آسیب‌شناسی اصول‌گرایان

۱. خود توانا پنداری و خود خادم بینی مفرط!  
طبق فرموده شهید بهشتی «ما شیفته خدمتیم نه تشنگان قدرت». به واقع براساس اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، کسب قدرت فرصتی است برای خدمت به ملت. برخی، اصول‌گرایان را به سهم‌خواهی از قدرت به نفع خود یا گروه‌های طرفدار خویش متهم می‌کنند، ولی این تعبیر درستی نیست. بهتر است بگوییم انگیزه پرشور خدمت، باعث شده است که نامزدهای اصول‌گرا هر یک خود را در خدمت‌رسانی به مردم موفق‌تر بدانند و اظهار کنند که از دیگر اصول‌گرایان برای اداره کشور کارآمدتر هستند. این را نمی‌توان به راحتی به سهم‌خواهی تعبیر کرد، ولی به هر حال این خودخامدتر بینی! پسندیده نیست و چه بسا به قواره اصول‌گرایان ناسازگار باشد. اگر منافع باندی و حزبی و گروهی در پس این انگیزه نهفته نباشد، پس چرا یک نامزد اصول‌گرا باید خود را توانا تر از دیگران در این مسأله فرض کند؟ آیا شانه به غرور و خودخواهی در این امر دیده نمی‌شود؟ خود را مطلق و بحق دیدن، از خرد به دور است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «خردهای خود را خطا پذیر بدانید، که بسا اعتماد کردن به آن، خطا باشد.»

### ۲. شعار دادن

اصول‌گرایان گرچه در مجلس هفتم و شوراهای شهر و نیز شهرداری تهران خدماتی به مردم ارائه کرده‌اند؛ ولی از شعار تا عمل فاصله زیادی است. همه کاندیداهای اصول‌گرا خود را در عمل هم معتقد به ارزش‌ها می‌دانند، اما دانستن را با توانستن تفاوت بسیار است. در اعلام برنامه‌های جزئی اداره کشور باید مراقب ادعاها و وعده‌ها بود. باید وعده‌هایی که در دولت‌های گذشته به مردم داده شد و بسیاری از آن‌ها تحقق نیافت، فراروی دیدگان این نامزدها نیز قرار گیرد تا خدای ناکرده شعاری ندهند که توان عمل به آن را چه از لحاظ قانونی و چه از لحاظ اجرایی و توانایی‌های فردی ندارند.

### ۳. تعدد نامزدهای جبهه اصول‌گرا

تعدد و تکرر نامزدها به خودی خود یک حسن برای اصول‌گرایان به شمار می‌رود؛ چه آن که با این تفاوت و تعدد، ثابت می‌شود که در مملکت

انتخابات ریاست‌جمهوری نیز فردی از این گروه بر مسند بالاترین مقام اجرایی کشور بنشیند. ولی اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی از لحاظ سلیقه و چگونگی اداره کشور در میان آن‌ها بروز کرده است. گرچه طبیعی است که آن‌ها در شیوه و برنامه‌های خود تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، ولی هدف واحدشان برای حفظ نظام اسلامی در برابر توطئه بیگانگان و دشمنان قسم‌خورده، گویا تاحدی تحت تأثیر این تفاوت‌های جزئی قرار گرفته که دست بیگانگان و رقبا نیز در ایجاد این اختلافات به چشم می‌خورد. امروزه با توجه به نزدیک‌تر شدن زمان برگزاری این انتخابات، باید پیش از آن که دیگران به نقد اصول‌گرایان پردازند، این گروه ارزش‌گرا با آسیب‌شناسی خود و نامزدهایشان، راه توطئه را بر دشمنان ببندند.

### سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی

در نخستین روز از سال جدید، رهبر معظم انقلاب در صحن جامع حرم رضوی، سخنانی مهم در باب همبستگی ملی و مشارکت عمومی مردم ایراد کردند و طی آن به موضوع سرنوشت‌ساز نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری و معیارهای یک رئیس‌جمهور کارآمد پرداختند. ایشان سال ۸۴ را سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی نام نهادند و فرمودند:

«همیشه نگاه این کشور و این ملت به عدالت و رفتار عادلانه علوی است و باید باشد، این را ما نباید فراموش کنیم. همیشه این ملت نیاز دارد به مسابقه خدمت‌رسانی میان مسؤولان، همیشه این ملت نیاز دارد به این که مسؤولان او پاسخ‌گوی مسؤلیت‌های بزرگ‌خودشان در مقابل ملت باشند... باید مسابقه در خدمت و مسابقه در کار و تلاش، به جای مسابقه در تخریب، سوءظن، هتاک و یأس‌آفرینی وجود داشته باشد. عده‌ای برای تلاش و وظیفه خود در مقابل این ملت، توجه به نیازها و آرمان‌ها را ملاک عمل قرار نمی‌دهند. این ملت بزرگ و شجاع و مؤمن و باقابلیت، وقتی می‌تواند به هدف‌های والای خود دسترسی پیدا کند که به جای تزییق یأس و نومیدی، امید و آفاق روشن را در مقابل چشم نسل جوان این کشور بگشاید و به جای ایجاد سوءظن و بدبینی، روح برادری، وحدت، یگانگی و همدلی در میان مسؤولان و از قبل مسؤولان. در میان مردم توسعه پیدا کند... وقتی آیین ملت به هدف‌های خود دست پیدا خواهد کرد و مشکلات گوناگون را از سر راه خود برخواهد داشت که ایمان و جهاد در میان مسؤولان به عنوان یک ارزش شناخته شود. این جهاد، جهاد علمی، جهاد عدالت‌خواهی و جهاد مدیریتی و اقتصادی است... سال ۸۴ اولین سال از برنامه اول سند چشم‌نداز بیست ساله کشور است... در آغاز برنامه، یک مدیریت کارآمد و باکفایت و پرنشاط باید سر کار باشد تا بتواند سازه‌های این برنامه را مستحکم و استوار کند... مردم با چشم باز در صحنه مهم انتخاب رئیس‌جمهور حاضر شوند و ان‌شاءالله خدای متعال کمک‌کند و

►► وقتی این ملت به هدف‌های خود دست پیدا خواهد کرد و مشکلات گوناگون را از سر راه خود برخواهد داشت که ایمان و جهاد در میان مسؤولان به عنوان یک ارزش شناخته شود. این جهاد، جهاد علمی، جهاد عدالت‌خواهی و جهاد مدیریتی و اقتصادی است

►► ان‌شاءالله خدای متعال کمک کند و دل‌های مردم را هدایت کند تا فرد باکفایت، شجاع، بااخلاص، دارای روح مردمی، شاداب و بانشاط، مؤمن به هدف‌ها و ارزش‌های انقلاب، مؤمن به مردم و معتقد به حق مردم را انتخاب کنند...»



# مبارزه با فساد

►► رهبر معظم انقلاب در جریان انتخابات مجلس پنجم فرمودند: «سخن گفتن از عدالت سخت نیست، اما آن چه ما در جستجوی آنیم، برنامه و راه‌هایی است که ما را در این شرایط به آن اهداف برساند.»

►► امروز علاج همه مشکلات این کشور، همبستگی ملی و مشارکت عمومی است.»

جمل خطاب به کسی که میان سابقه و شخصیت طلحه و زبیر و عایشه و سپاه امیرالمؤمنین در وادی حیرت مانده بود، فرمود: حق و باطل را با میزان قدر و شخصیت افراد نمی‌شود شناخت. این صحیح نیست که تو اول شخصیت‌هایی را مقیاس قرار دهی و بعد حق و باطل را با این مقیاس‌ها بسنجی و بگویی فلان چیز حق است، چون فلان و فلان با آن موافقت و فلان چیز باطل است چون فلان و فلان با آن مخالف. نه، اشخاص نباید معیار تشخیص حق و باطل قرار گیرند، این حق و باطل است که باید مقیاس اشخاص و شخصیت آنان باشد.»

در پایان باز هم تأکید می‌کنیم، وفاق و همدلی میان نامزدهای اصول‌گرا و معرفی یک کاندیدای واحد، عاملی برای اتحاد و همبستگی است، که مقام معظم رهبری فرمودند:

«دشمن، اتحاد مردم را هدف گرفته است. دشمن ساده لوحانه به نفوذی‌ها و مزدوران خود در میان مردم دل بسته، این یک خیال خام و واهی است. امروز آمریکایی‌ها هدف‌های خود را آشکار بیان می‌کنند... همه باید بدانند، کسی که با پول آمریکا و با حمایت دولتمردان آمریکا بخواهد برای منافع آمریکا کار کند و قیافه اپوزیسیون به خودش بگیرد، در چشم ملت ایران منفورترین انسان است. همه ملت ایران، بخصوص نخبگان، جوانان، دانشجویان و کسانی که حوزه تأثیری فراتر از حوزة خودش دارند، بدانند امروز علاج همه مشکلات این کشور، همبستگی ملی و مشارکت عمومی است.»<sup>۴</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. روزنامه کیهان، ۸۴/۱/۲۴.
۲. میزان‌الحکمه، حکمت ۳۸۴۲.
۳. روزنامه جام‌جم، ۸۴/۱/۲۵.
۴. روزنامه کیهان، ۸۴/۱/۲۴.

قحط‌الرجال نیست و افراد توانمند برای اداره کشور فراوانند، و دیگر این که اصول‌گرایی مختص هیچ حزب و گروه و دسته‌ای نیست و اکثریتی از قشرهای گوناگون را در بر می‌گیرد. این تعدد از اعتماد به نفس بسالای جبهه اصول‌گرایان و خود نامزدها حکایت می‌کند. با توجه به تنوع سوابق مدیریتی و اجرایی نامزدهای اصول‌گرا در سمت‌های گذشته‌شان، تعدد نامزدها به خودی خود یک امتیاز است تا بر اساس نظرسنجی از مردم، تواناترین این افراد برای نامزدی اصول‌گرایان برگزیده شود. اما این امر در کنار مزیت‌هایی که برشمردیم، عیوبی هم دارد. ایراد اصلی آن این است که چنانچه اصول‌گرایان به یک کاندیدای واحد نرسند یا همه به نفع یکی کنار نروند، موجب تکرر آرا در صندوق‌های رأی می‌شود و پراکنده شدن رأی‌ها میان چند کاندیدا از یک جبهه، از لحاظ سیاسی و اجتماعی به نفع آن گروه نیست. همین تکرر آرا خود موجب اختلاف اندازی میان هواداران هر نامزد نیز می‌شود.

اختلاف در میان اصول‌گرایان نه در اصول و ارزش‌ها، که در روش‌ها و سلیقه‌های مدیریتی و اجرایی است. این تفاوت روش نباید به تفاوت هدف و تخریب دیگر نامزدهای اصول‌گرا بینجامد. به خاطر داشته باشیم که امسال طبق سخن رهبر فرزانه انقلاب «سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی» است. تعدد کاندیداها در نهایت به ضرر اصول‌گرایان تمام می‌شود و میزان مشارکت عمومی را کاهش خواهد داد.

## ۴. معرفی هدف به جای برنامه

ارزش‌ها و اصولی که نامزدهای اصول‌گرا تاکنون بر آن پای فشرده‌اند، میان همه آنان مشترک است و اهدافی کلی به شمار می‌رود؛ ولی در عمل تاکنون هیچ یک از نامزدها برنامه مدون و مشخصی برای رسیدن به این اهداف کلی و ارزشمند ارائه نکرده است. راهبردهای اقتصادی که تاکنون توسط نامزدها به آن اشاره شده، تفاوت چندانی باهم ندارند. دستیابی به آرمان‌ها و اهداف به برنامه‌های جزئی نیاز دارد که به عدد و رقم مربوط می‌شوند و راهکار مشخصی می‌طلبند. برای مثال، شعار عدالت‌خواهی را همه نامزدها سر داده‌اند، اما هنوز راهکار عملی گسترش عدالت اقتصادی، فرهنگی و امکانات ملی را تبیین نکرده‌اند. رهبر معظم انقلاب در جریان انتخابات مجلس پنجم فرمودند: «سخن گفتن از عدالت سخت نیست، اما آن چه ما در جستجوی آنیم، برنامه و راه‌هایی است که ما را در این شرایط به آن اهداف برساند.»<sup>۵</sup>

هدف هرگز جای برنامه را نمی‌گیرد. به طور نمونه شعار جوانگرایی یک کاندیدا، در واقع یک هدف میانی است که به برنامه‌ای مشخص نیاز دارد. استفاده از استعداد و توانایی علمی و اجرایی نسل سوم کشور، راهبرد معینی را می‌طلبد که در برنامه یک کاندیدای گنجد، ولی تاکنون تفاوت چشمگیری میان برنامه جزئی کاندیداها در عمل به این شعار دیده نشده است.

## ۵. دفاع بد از اصول

### اصول‌گرایی از دیدگاه شهید مطهری

شهید مطهری در بخشی از کتاب بدیعی «جاذبه و دافعه حضرت علی(ع)» از رفتار اصول‌گرایانه اصحاب امام می‌گویند: «ما وقتی در تاریخ اسلام به سراغ سلمان فارسی و ابوذر غفاری و مقداد کنندی و عمار یاسر و امثال آنان می‌رویم، و می‌خواهیم ببینیم چه چیز آن‌ها را وادار کرد که دور علی(ع) را بگیرند و اکثریت را رها کنند، می‌بینیم آن‌ها مردمی بودند اصولی و اصول‌شناس، هم دین‌دار و هم دین‌شناس. می‌گفتند ما نباید درک و فکر خویش را به دست دیگران بسپریم و حتی آن‌ها اشتباه کردند ما نیز اشتباه کنیم. و در حقیقت، روح آنان روحی بود که اصول و حقایق بر آن حکومت می‌کرد، نه اشخاص و شخصیت‌ها... ما طرفدار اصولیم، نه طرفدار شخصیت‌ها، تشیع با این روح به وجود آمده است... حضرت علی(ع) در جنگ